



نتیجه‌گیری از يك بررسي پيرامون :

زن ايراني و محيط زيست

با اهتمام سعادت مهران - همايون مهاجر - مهناز زرندي

زیر نظر :

خانم فاطمه فرمائیان

با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست

Foundation for Iranian Studies
Library

Foundation For Iranian Studies
WOMEN'S CENTER
4343 Montgomery Ave., Suite 200
Bethesda, MD 20814

WS WOI 38

نتیجه‌گیری از یک بررسی پیرامون :

زن ایرانی و محیط زیست

باهتمام سعادت مهران - همایون مهاجر - مهناز زرندی

زیر نظر :

خانم فاطمه فرما نقرمائیان

با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست

فهرست مطالب :

صفحه :

۵
۷
۹
۱۲
۱۴
۱۵
۱۷
۱۹

مقدمه

خلاصه نتایج بررسی

بهداشت محیط

آلودگی آب

خاک

آلودگی هوا

مواد مصنوعی و آفت

جمعیت

بمناسبت سال بین‌المللی زن و سازمان زنان ایران در چارچوب وظیفه‌های گروه‌های تحقیقاتی سازمان و به منظور بررسی و معرفی مقاله‌ها و متن‌های ارزنده‌ی پژوهشی، خواه تألیف و خواه ترجمه، یک سلسله انتشارات مستمر و منظم در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و پرورشی، برای استفاده همگان بمناسبت سال بین‌المللی زن منتشر می‌کند.

هدف آنستکه در درجه‌ی اول نهضت آزادی زن در ایران و در جهان از زاویه‌های مختلف مورد بررسی و بحث و گفتگو قرار گیرد و از مفهوم نوین و پیشرفته‌ی نقش زن در مرجع‌ها و محفل‌های گوناگون دفاع بعمل آید.

مقاله‌ها و متن‌ها علاوه بر زمینه‌ی اصلی پیش‌گفته تمام مقاله‌هایی که آگاه‌کردن افراد جامعه را تسهیل کنند، افق‌های فکری آنان را روشنتر سازند و بگونه‌ی مستقیم و یا نامستقیم با هدف‌ها و رسالت سازمان زنان ایران ارتباط داشته باشند میتوانند برای انتشار در نظر گرفته شوند.

مقاله‌ها و متن‌هایی که منتشر می‌شوند الزاماً با نظر‌ها و عقیده‌های اعلام‌شده‌ی سازمان و مسوولان آن مشترك و مشابه نخواهند بود.

افکار و عقیده‌های گوناگون درباره‌ی مسایل و مبحث‌های مربوط آزادانه و در کمال استقلال ارائه و معرفی خواهند شد.

خلاصه نتایج بررسی پیرامون زن ایرانی و محیط زیست^۱

از تحقیقاتی که توسط سازمان محیط زیست، به مناسبت سال زن، در باره تأثیر زن ایرانی در محیط زیست انجام شده است چنین برمی آید که زن ایرانی از این لحاظ، نقش مؤثری را داراست. در روستاها تفاوت محسوسی بین نقش زن و مرد وجود ندارد و هر دو در فعالیتهای کشت و زرع سهیمند؛ حتی می توان گفت که در اکثر نقاط کشور، زنان روستایی بیش از شوهرانشان فعالیت می کنند. در شهرها چون اکثراً زن‌ها هستند که مصرف خانه را نسبت به توانایی مالیشان تعیین می کنند، بنابراین تأثیر زن از نظر انگاره‌های مصرفی حائز اهمیت بیشتری است، ولی در خارج از خانه زن ایرانی هنوز نقش مؤثری از نظر تأثیر زیست - محیطی ندارد. اگرچه تعداد زنان شاغل سرعت رو به افزایش است، و بیش از نیمی از آنها شغل تمام روز یا نصفه روز دارند، ولی بیشتر این مشاغل در سطحی نیستند که اخذ تصمیمات مؤثر به عهده زنان باشد.

بطور کلی آگاه نبودن زنان از عواملی که باعث تخریب محیط زیست

۱- این بررسی گروه‌های مختلف زن ایرانی، اعم از شهری و روستایی، را در برمی گیرد. پرسش‌نامه‌های مربوط در تهران در ۲۴ مسیر شامل طبقات مرفه، متوسط، کارمندان، کارگرانشین، مهاجرنشین و حاشیه‌نشین و با توجه به فرهنگ و رسوم طبقات مختلف تکمیل شده‌اند. در شهرهای بزرگ و استان‌ها هفت م. پیر مورد نظر قرار گرفته و ۴۰ روستا از مجموع دهات ایران، با جمعیتی بین ۲۵۰ تا ۲۵۰۰ نفر، به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شده‌اند.

میگردد چشمگیر است و یکی از مهمترین اقدامات در جهت بهبود محیط زیست ، می تواند افزایش میزان آگاهی زنان باشد .

اکثر زنهای ایرانی هنوز در ردیف بی سوادان فراردارند یا اینکه میزان سوادشان پایین است . در شهرها کمی بیش از نصف زنان یا بیسوادند یا اینکه میزان سوادشان حداکثر تا شش ابتدایی است و در روستاها تنها ۵ درصد آنان دوره ابتدایی را به پایان رسانده اند . اگر سواد آموزی زنان از پایه دگرگون نشود ، بدیهی است که افزایش میزان آگاهی اجتماع درباره اهمیت محیط زیست امکان پذیر نخواهد بود .

علاوه بر میزان سواد ، عامل مهم دیگری که مانع پیشبرد هدفهای محیط زیست خواهد بود ، میزان درآمد است . افراد گرفتار مشکلات روزمره هستند و به سختی احتیاجات اولیه زندگیشان را تأمین می نمایند ، گوش شنوایی برای شنیدن توصیه های مربوط به حفظ محیط زیست ندارند ، حتی اگر این توصیه ها در زندگی خودشان هم اثر مستقیم داشته باشد . آن روستایی که امروز دچار کمبود مواد سوختنی است و استطاعت مالی او اجازه نمی دهد که نفت یا ذغال خریداری نماید ، به امکان پیشروی شنهای روان و تجاوز آتی آنها به کشتزار در اثر کندن بوته ها ، توجه ندارد . در بسیاری از روستاها و محله های فقیرنشین شهرها ، پژوهشگران سازمان محیط زیست با مقاومت مردم روبرو می شوند ، به این معنی که پرسشهای آنان بیهوده به نظر رسیده و تنها مسائل اساسی مانند آب و گندم مورد توجه مردم قرار می گیرد . حال آنکه تولید گندم زیادتر و ارزاتر و تأمین آب قابل استفاده مستلزم حفظ محیط زیست می باشد . جدول تغذیه روستاییان نشان می دهد که هنوز حدود ۵۷٪ روستاییان کشور از رژیم غذایی فاقد گوشت استفاده می کنند و حدود یک سوم آنان اکثراً از مواد نشاسته ای ، مانند برنج ، نان ، سیب زمینی و ماست تغذیه می کنند . بدیهی است که مشکلات تغذیه روزانه ، به این افراد اجازه نمی دهد که به بهداشت و محیط زیست توجه داشته باشند .

بدون شك تحولات اجتماعی که اکنون مشاهده می شود از لحاظ افزایش

میزان سواد و سطح زندگی دارای اثر مثبتی خواهد بود ولی ضمناً همین تحولات از لحاظ الگوهای مصرفی (افزایش مصرف انواع مواد سمی و مصنوعی مانند آفت کشها، حشره کشها، پلاستیکها و غیره) اگر با آگاهی بیشتر و راهنماییهای صحیح همراه نباشند، اثرات نامطلوب خواهند داشت.

شرایط اقلیمی و سنن و تعصبات محلی نیز در برخی موارد در محیطزیست تأثیر نامطلوب می گذارند. مهمترین نتیجه های حاصل از بررسی زن ایرانی و محیطزیست عبارتند از:

۱- بهداشت محیط:

بهداشت محیط شامل پاکیزگی آب آشامیدنی و مصرفی - دفع زباله - سالم بودن مواد غذایی و فاضلابها می باشد (فاضلابها را در قسمت «آلودگی آب» بررسی خواهیم کرد).

آب آشامیدنی و مصرفی متأسفانه در قسمتهای زیادی از کشور به هیچ وجه سالم و قابل اطمینان نیست و متأسفانه این وضع حتی در شهرها مشاهده می شود؛ چون طبق بررسی هنوز حدود نیمی از جمعیت شهری کشور ایران از آب لوله کشی بهره مند نشده است و بقیه از چاه، شیر فشاری خیابان، دوره گرد، جوی یا آب انبار، آب مورد احتیاجشان را تأمین می نمایند. بغیر از ۲۵٪ جمعیت شهری که از شیر فشاری خیابان و ۵۰٪ که از لوله کشی استفاده می نمایند، به پاکیزگی آب بقیه ۲۵٪ جمعیت شهرنشین نمی توان اطمینان داشت. معهداً اکثر مردم شهرنشین آب پاک و سالمی در اختیار دارند در صورتیکه در روستاها به هیچ وجه اینطور نیست تنها ۷٪ اهالی روستاها از آب لوله کشی برای شرب استفاده می نمایند و بقیه از قنات، چشمه، نهر، رود و چاه. حدود یک سوم زنان مورد بررسی معتقد بودند که آب آشامیدنی آنها تمیز نیست و ۱۳٪ از وضع بهداشتی آب بی اطلاع بودند ولی حتی آن ۵۵٪ که اظهار داشتند آبشان تمیز است، احتمالاً اظهاراتشان صحت ندارد و به علت نادانی تصور می کنند که آب مصرفی شان آلوده نیست، چنانچه بسیاری از زنان آب جوی و رودخانه

را تنها به دلیل اینکه جاری بوده و در نتیجه خلاف مذهب نمی باشد ، تمیز تصور می کنند . تعدادی از مصرف کنندگان آب چاه از وجود کرم وانگل در آن اطلاع داشتند و در مناطق گرمسیری از شوری و تلخی آب چاه اظهار نارضایتی می کردند . این مطالب در مورد آب شستشو نیز صدق می کند و به استثنای ۵٪ که از آب لوله کشی استفاده می نمایند ، بقیه لباس و ظروف خود را در کنار جوی ، رود ، چشمه ، قنات و لب حوض یا کنار چاه می شویند و در بسیاری از موارد از همان محل آب آشامیدنی خود را تأمین می کنند .

وضع حمام روستاها نیز رضایتبخش نیست یعنی تنها ۳۰٪ از روستاهای مورد بررسی ، دارای حمام بهداشتی (دوش) بودند ، ۹٪ حمام غیر بهداشتی (خزینه) داشتند و حدود ۶۰٪ روستاها به کلی فاقد حمام بودند و اهالی این روستاها معمولاً سالی یک بار به محل دیگری جهت حمام سفر می کنند و یا اینکه در کنار رودخانه و چشمه و غیره استحمام می کنند و بالاخره برخی از آنها در طشی آب در طولیله (که گرمترین محل خانه است) خود را می شویند .

بعلاوه ، اکثر دهات یعنی حدود ۸۵٪ فاقد غسلخانه می باشند و میت را در رود ، نهر ، پای چشمه ، قنات و یا لب حوض می شویند . لازم است که هرچه زودتر همه ی روستاها به غسلخانه و حمام و آب آشامیدنی پاکیزه و سالم مجهز شوند تا از شیوع بیماریهای مختلف جلوگیری شود .

رسم دیگری که در بهداشت محیط ابرات زیان آوری می گذارد و برای سلامت روستاییان نیز مضر است ، استفاده ی خوراکی از دامهای مریض می باشد . اکثر روستاییان دامداری می کنند ولی تنها ۱۰٪ آنها به دامپزشک دسترسی دارند . بیش از نیمی از دامداران دامهای مریض را قبل از اینکه تلف شوند ، کشته و گوشتش را می خورند . این عده به طور کلی تنها در چنین مواقعی گوشت می خورند . برای مبارزه با این مشکل باید دامپزشک سیار به روستاها فرستاد ، و در موارد لازم دامها را ضد امراض تلقیح نموده و بالاخره برضد خوردن گوشت دامهای مریض ، با توجه به جنبه مذهبی آن ، از طریق رادیو و سپاه بهداشت تبلیغ نمود .

سپاهیان بهداشت می‌توانند در ایجاد حمام ، معالجه دامها ، جلوگیری از آلوده شدن آب ، طریقه دفع زباله و غیره مؤثر باشند .

یکی دیگر از مسائل مهم مربوط به بهداشت محیط ، زباله است . البته در روستاها ، امکان خدمات زباله جمع‌کنی ، کم است و بهترین چاره ، دفن بهداشتی زباله توسط خود روستاییان می‌باشد ولی متأسفانه تنها ۱۵٪ آنها از چنین روشی استفاده می‌نمایند و سایرین باریختن زباله در کوچه و گوشه و کنار ده یا در حیاط منزل محیط‌زندگی خود ، آبهای سطحی را آلوده می‌سازند . روستاییان می‌توانند از زباله‌ها به عنوان کود استفاده نمایند چون تقریباً تمام زباله آنها از مواد آلی تشکیل می‌شود . شدت این مشکل در شهرها به مراتب بیش از روستاها است ، نه تنها به دلیل حجم آن ، بلکه همچنین به علت محتویاتش ، از جمله انواع مواد پلاستیکی ، کاغذ ، فلزات و غیره . بررسی نشان می‌دهد که تنها ۴۲٪ جمعیت شهرنشین زباله‌هایشان را به مأموران شهرداری تحویل می‌دهند و بقیه یا به کوچه و خیابان و زمینهای اطراف منزلشان می‌ریزند و به این ترتیب محیط مناسبی برای تولید موش و مگس ایجاد می‌کنند و یا اینکه به رودخانه می‌ریزند و موجب آلوده شدن آب می‌گردند . تعداد زیادی از گروه دوم ، به دلیل عدم خدمات زباله جمع‌کنی شهرداریها ، ناچار از راه‌های غیر بهداشتی جهت دفع زباله استفاده می‌نمایند . باید هرچه زودتر شهرداریها امکانات زباله جمع‌کنی را در اختیار کلیه افراد شهرنشین بگذارند . ولی متأسفانه تعدادی از زنها هم باوجود دسترسی به مأمور شهرداری با آنها همکاری نکرده زباله‌ها را در محیط اطراف خانه می‌ریزند . نتایج بررسی همچنان نشان می‌دهد که اکثر خانواده‌های ایرانی هنگام گردش و سفر زیبایی و نظافت مناظر طبیعی را رعایت نکرده ، آشغالهای خود را حتی با بودن سطل آشغال از پنجره خودرو یا اتوبوس بیرون می‌ریزند و یا در محل پیک‌نیک و گردش رها می‌کنند . همین مطلب درباره اماکن عمومی مانند سینماها صدق می‌کند . تنها راه‌حل در مورد عمل تعلیم دادن افراد ، از کودکی می‌باشد تا بیاموزند که محیط‌زیست سایر مردم و همچنین طبیعت را ، با آشغالهای خود آلوده نسازند .

۲- آلودگی آب :

آلودگی آب ، در تمام کشورهای جهان ، یکی از مشکلات اساسی زندگی کنونی شده است . در ایران این مشکل بخصوص شدت و اهمیت دارد ، چه ، حجم آب در اکثر رودها و شهرها کم است و در نتیجه به سهولت آلوده می گردد . باید البته کارخانجات و شهرداریها قانوناً موظف شوند که فاضلابها را پس از تصفیه در آبهای سطحی رها کنند .

در جدولهای مربوط به فاضلابهای خانگی می بینیم که حدود ۴۰٪ روستاییان فاضلابهایشان را در رودخانه - جوی یا اطراف چشمه و قنات می ریزند و در شهرها ۱۵٪ فاضلابهای خانگی مستقیماً و ۱۸٪ از طریق کانالهای شهرداری به رودخانه راه می یابند . نیمی از جمعیت روستانشین ، فاضلاب را در صحن حیاط یا کوچه می ریزند و ۲۰٪ از جمعیت شهرنشین نیز به همین طریق فاضلابهای خانگی را دفع می نمایند . رشد سریع شهرها ایجاب می کند که اگر سازی صحیح انجام شود و با کمک سپاهیان بهداشت چاه فاضلاب با رعایت فاصله لازم جهت جلوگیری از آلوده شدن چاه آب مصرفی ، برای منازل تعبیه گردد . این موضوع در مناطق مرطوب خزری اهمیت خاصی دارد ، چون سفره آب زیرزمینی به سطح زمین نزدیک بوده و امکان آلوده شدن آبهای زیرزمینی ، شدید است . میزان آگاهی درباره طرق صحیح دفع فاضلاب بسیار کم است ، چنانکه تنها ۲۵٪ از جمعیت شهری ، اگر سازی را به عنوان راه حل صحیح عنوان نمودند و نیمی از آنها در این باره اظهار بی اطلاعی می کردند . همچنین در مورد ریختن زباله های جامد در رودخانه ها ، ۲۰٪ جمعیت شهرنشین مورد بررسی ، تصور می نمایند که آب رودخانه روان بوده و زباله را می برد و آلودگی به وجود نمی آورد . اینها اطلاع ندارند که بار فاضلاب و زباله در رودخانه اگر بیش از ظرفیت تصفیه خود بخود آب رودخانه باشد ، آلودگی به وجود خواهد آمد .

علاوه بر موادمسمی که گاهی ممکن است در فاضلابهای خانگی موجود باشد (مانند حشره کشی - داروهای مختلف و غیره) مواد آلی و فسفات حاصله از پودر های پالک کننده ، اثر کودی در آب دارند و باعث افزایش جلبکها شده باکتریهای

تجزیه کننده جلبك آنقدر افزایش می یابند که احتیاج این باکتریها به اکسیژن موجب کاهش محتوی اکسیژن در آب می گردد . به این ترتیب بقای موجودات به خطر می افتد و اگر اینگونه آلودگی شدت پیدا کند رود ، نهر یا دریاچه ای مربوطه به گندابی فاقد حیات تبدیل می شود . در جدول های مربوط به پاك کننده ها مشاهده می شود که چه در روستا و چه در شهرها تمام زنها به مقادیر مختلف از انواع پودرها برای شستشو استفاده می نمایند ، هر چند بسیاری از آنها علاوه بر پودر ، صابون و قدری هم چوبك یا خاکستر نیز مصرف می کنند . به هر حال پودر رختشویی ، به دور دست ترین و کم درآمدترین قشرهای کشور راه یافته و مصرفش همگانی شده ؛ بدیهی است که آلودگی ناشی از آن هم در آبهای سطحی و عمقی کشور آغاز گردیده و چنانچه اقدامی جهت دفع فسفات در پودرهای پاك کننده نشود ، با بالا رفتن سطح زندگی و مصرف در آتیه ، آلودگی حاصله از پودرهای فسفات دار به ابعاد بحرانی خواهد رسید .

عامل دیگری که در آب اثر کودی دارد ، کودهای شیمیایی می باشد که مازاد آن معمولاً از خاک به آب نشت می کند . در ۵۵٪ روستاهای مورد مطالعه کود شیمیایی مصرف می شود و در بقیه ی روستاها هنوز از آن استفاده نمی شود . حدود ۴۰٪ مصرف کنندگان طریقه صحیح استفاده از کود شیمیایی را نمی دانند و این عدم آگاهی امکان دارد اثرات سوء زیست - محیطی کود های شیمیایی را بیشتر کند . بدون تردید باید تعاونیها درباره مقدار و نوع کود لازم روستاییان را راهنمایی کنند تا کودهای شیمیایی به مقدار صحیح و در موقع مناسب به خاک افزوده شوند و هرگاه امکان داشته باشد ، مصرف کود های طبیعی و یا کشت گیاهان مغذی خاک مانند یونجه ، تشویق شود .

کودهای شیمیایی علاوه بر اثر کودی يك اثر جنبی مضر دیگر نیز دارند یعنی پس از اینکه کود نیترا نه به آب راه یافت در اثر فعل و انفعالات شیمیایی به نیتريت تبدیل شده ، سمی می شود و خصوصاً برای نوزادان خطرناک است . البته میزان مصرف کود باید زیاد باشد تا آلودگی سمی به آن حد برسد که خطرناک باشد ، ولی چون در کشورهای توسعه یافته جهان چند مورد از اینگونه

مسمومیت تجربه شده است ، باید از هم اکنون ، به خطرات مصرف بی رویه کود شیمیایی ، توجه داشت .

۳- خاک :

در مورد خاک دو موضوع حائز اهمیت است ، یکی آلودگی خاک و مهمتر از آن فرسایش خاک . فرسایش خاک در ایران اهمیت خاص دارد چون در نتیجه کشت بی رویه و چرای مفرط و عدم توجه به خاک طی هزاران سال ، قسمتهای پهن آوری از سرزمین ایران دستخوش فرسایش شده است . خوشبختانه طرحهای درختکاری ، بوته کاری و مالچ پاشی احیاء مجدد اراضی و جلوگیری از فرسایش و پیشروی شنهای روان موفقیت آمیز بوده و اینگونه برنامه ها همچنان ادامه دارد .

با وجود کنترل نسبتاً شدید وزارت کشاورزی و سازمان محیط زیست ، چرای بی رویه در صحرا و بیابان کم آب و علف همچنان ادامه دارد ، چون اکثر روستاییان هنوز جهت امرار معاش خود احتیاج به دامداری دارند . چنانچه منبع درآمد دیگری برای آنها تأمین نشود ، جلوگیری از چرا در مناطق ممنوعه دشوار است . بزرگترین مخرب پوشش گیاهی بزاست و این حیوان اکثریت دام استانهای جنوبی کشور را تشکیل می دهد .

در کشاورزی هم کشت یکنواخت محصول واحد که در بسیاری از نقاط کشور مرسوم است ، خاک را تضعیف نموده باعث فرسایش سریعتر آن می شود . همچنین مصرف فضولات حیوانی به عنوان سوخت در روستاها زمین را از کود طبیعی با ارزش محرم می کند . باید تعاونیها و سپاهیان با روستاییان همکاری نمایند تا از طریق کشت متناوب کودهای طبیعی و شیمیایی و غیره خاک را تقویت نموده ، حاصلخیزی را افزایش دهند . البته اگر روستاییان دسترسی به نفت و ذغال نداشته باشند ، به عمل سوزاندن فضولات دامی و کندن بوته و درخت جهت سوخت ادامه خواهند داد و به این ترتیب پیشروی شنهای روان و عمل فرسایش سریع می شود ، خصوصاً که استفاده از بوته و درخت هنوز در ۲۸٪

خانوارهای روستایی رواج دارد و حتی در حاشیه های فقیرنشین بسیاری از شهرها به دلایل اقتصادی مرسوم است .
طریقه صحیح مصرف کود شیمیایی از نظر خاک هم اهمیت دارد ، چون اگر به مقدار زیاد مصرف شود امکان دارد گیاه را بسوزاند و علاوه بر آن قدرت تثبیت ازت خاک تقلیل می یابد و هر سائمه مقدار زیادتری کود باید افزوده شود تا مقدار مورد احتیاج گیاه جذب شود . بدیهی است که مازاد آن به آبهای سطحی و زیرزمینی نشت خواهد نمود .

۴- آلودگی هوا :

در روستاها بدلیل پراکندگی و عدم تراکم منازل و ساختمانها بطور کلی آلودگی هوا مشکل عمده ای محسوب نمی شود مگر در داخل منازل . البته با صنعتی شدن کشور ، در آتیه باید توجه داشت که چه در شهر و چه در روستا کارخانجات حد فاصل مناسبی را با محله های مسکونی حفظ نمایند و در روستاها ضمناً به اثرات برخی از آلوده کننده ها در گیاهان ، توجه شود ، یعنی کارخانجات از طریق تصفیه و حفظ فاصله معقول ، به کشتزارها صدمه ای نرسانند . مصرف انواع سوختها در روستاها که قبلاً مطرح گردید ، بیشتر از نظر خاک مؤثر است . تنها نوع آلودگی هوا که در روستاهای مناطق خشک ، مشکلی ایجاد می کند ، آلودگی طبیعی گرد و خاک است و از این نظر زن روستایی با کندن بوته ها و درختان جهت مصارف سوخت نقش مهمی دارد . ولی تا زمانیکه توزیع نفت و گاز به روستاهای دور دست نرسد اجباراً عمل کندن بوته و درخت که خاک را حفظ می نمایند ، ادامه خواهد داشت . چاره دیگر در راه ممانعت از آلودگی هوا به وسیله گرد و خاک ، علاوه بر رساندن مواد سوختنی و افزایش سطح زندگی ، به مقداری که خرید این مواد را میسر سازد ، همکاری مؤسسات دولتی برای درختکاری ، خصوصاً انواع بوته و درختی که با شرایط آب و هوای خشک سازگاری داشته باشند ، و مالچ پاشی جهت تثبیت شنهای روان و جلوگیری از فرسایش توسط آب و باد است . تحقیقات نشان می دهد که تنها نیمی از

روستاییان به درختکاری می‌پردازند و آن هم جهت مصرف چوب یا میوه درخت که این خود نمایانگر سطح زندگی بسیار پایین روستاییان است که تنها به علل اقتصادی و رفع احتیاجات اولیه و نه جهت بهبود آب و هوا و تقلیل گرد و خاک درختکاری می‌کنند.

و اما در شهرها تراکم جمعیت و مصرف روزافزون وسائط نقلیه موتوری و تأسیس کارخانجات متعدد در آلودگی هوا تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. آیا زندهای شهری می‌توانند در تقلیل این آلودگی مؤثر باشند؟ از آنجا که طبق تحقیقات انجام شده ۶۰ الی ۷۰ درصد آلودگی هوای شهرهای امروزی از وسائط نقلیه سرچشمه می‌گیرد، مرد وزن هر دو در این امر سهیمند. کارخانجات نقش کمتری را در آلودگی هوای اکثر شهرها دارند و تبدیل آنها و نیروگاهها به سوخت گازی این نقش را حتی کمتر از آنچه هست، خواهد کرد البته به جز در مجاورت خود کارخانجات و کوره‌ها که چاره‌ی آن هم چنانکه گفته شد، فقط حد فاصل مناسب می‌باشد.

تأثیر دیگر زن در آلودگی هوا، از نظر مواد سوختنی گرمایا و پخت و پز خانگی است. در این مورد ذغال از همه بیشتر و گاز طبیعی از همه کمتر باعث آلودگی هوا می‌گردد. بدیهی است که لوله‌کشی گاز (که اکنون در شیراز مثلاً موجود است) در سایر شهرها از تأثیر آلوده‌کننده وسایل گرمایا و پخت و پز خواهد کاست. ولی در مورد وسائط نقلیه، در صورتیکه وسائط نقلیه عمومی وجود داشته باشد، ترجیح دارد جهت کاهش برافیک شهرها از آنها به جای خود رو شخصی استفاده شود، چون از طرفی کاهش تعداد وسائط نقلیه، خود بخود آلودگی را تقلیل خواهد داد و از طرف دیگر حرکت روانتر و قدری سریعتر وسائط نقلیه از اثرات آلوده‌کننده آنها خواهد کاست. اگر در تحقیق ملاحظه می‌شود که اکثر زندهای مورد بررسی (حدود ۸۰٪) ترجیح می‌دهند با وسیله شخصی حرکت کنند بیشتر دال بر آنست که اکثر آحتی نمی‌توانند تصور نمایند که حمل و نقل عمومی می‌تواند سریع و کافی باشد، چون در هیچ شهر ایران وضع حمل و نقل عمومی هنوز رضایتبخش نیست. همچنین بررسی

نشان می‌دهد که گرچه در شهرها آگاهی درباره آلودگی هوا وجود دارد ولی اکثر افراد تنها آن دودی را که به وضوح می‌بینند و احساس می‌کنند، مقصر اصلی می‌دانند. فقط ۱۴٪ از افراد مورد بررسی، دود وسایل موتوری شهری را اعم از اتوبوس و سواری مقصر می‌دانند و احتمالاً این عده هم اتوبوسها را بیش از خوروهای شخصی تقصیر کار می‌دانند، در صورتیکه خودروهای شخصی خصوصاً با توجه به تعداد زیادشان بیش از هر عامل دیگر باعث آلودگی هوای شهرها می‌گردند و چون دودشان و سم مهلك حاصله از بنزین به چشم دیده نمیشود، آگاهی درباره نقش آلوده‌کننده آنها کمتر است.

يك مشکل آلودگی هوا که در سطح جزء، یعنی در خانه‌های ایران فراوان است، آلودگی هوای اطاق ناشی از مصرف منقل، ذغال یا چراغ نفتی در اطاقهای کوچک با پنجره بسته می‌باشد که گاهی حتی باعث خفگی می‌گردد. در این مورد بسیار مهم است که خانواده‌ها و خصوصاً زنان درباره هوای آلوده اطاق‌هایی که پنجره آنها دائماً بسته است، آگاهی پیدا کنند.

ب- مواد مصنوعی و آفت‌کشا :

گردآوردن موضوع مواد مصنوعی و سمی در يك فصل جداگانه علتی خاص دارد، هم انواع مواد مصنوعی (نایلون - پلاستیک و غیره) و هم انواع آفت‌کشا و حشره‌کشا دارای مولکول‌هایی هستند که توسط انسان اختراع شده و در طبیعت وجود ندارد. در نتیجه باکتریهای تجزیه‌کننده اینگونه مواد در طبیعت موجود نیست. بنابراین کالاهای نایلونی و پلاستیکی به صورت زباله جامد باقی می‌مانند مگر اینکه سوزانده بشوند که در آن صورت هوا شدیداً آلوده می‌شود. آفت‌کشا و حشره‌کشا و علف‌کشا و غیره نیز به آسانی از بین نمی‌روند بطوریکه برخی از آفت‌کشهای پایدار، مانند ددت، آلدین و دیلورین حداقل تا بیست سال در گردش طبیعت باقی مانده، از يك عنصر به عنصر دیگر و از يك موجود به موجود دیگری انتقال می‌یابند و در خاک و آب و گیاه و موجودات انباشته شده، باعث بیماری یا حتی مرگ آنان می‌گردند. با توجه

به این خطرات ، احتیاط و آگاهی کامل در مورد مصرف این داروها بسیار ضروری است ولی متأسفانه حدود ۶۰٪ از مصرف کنندگان آفت کشهای کشاورزی ، درباره ی طریقه صحیح استعمال آن ، اطلاعی ندارند. فعلاً هنوز اکثر کشاورزان ایرانی از آفت کش سمی استفاده نمی کنند ولی به مرور که کشاورزی مدرن به روستاها راه یابد مصرف اینگونه مواد افزایش خواهد یافت و اطلاعات کافی درباره میزان مصرف و موقع مصرف ، ضروری خواهد بود. همچنین در خانه های شهری و روستایی ، حشره کشها بدون توجه به خطراتش مصرف می گردد و تنها عدم استطاعت مالی مانع مصرف آن می شود حتی ددت که مصرف آن اکنون در بسیاری از کشورهای جهان ممنوع گردیده ، هنوز در ۱۴٪ از خانه های روستایی مصرف می شود. با افزایش سطح درآمد ، مصرف حشره کشها نیز به طور قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت و چنانچه سموم خطرناک از مغازه ها جمع آوری نشوند ، شاهد صدمه های جبران ناپذیری به محیط طبیعی و سلامتی جانداران خواهیم بود. خصوصاً که حشرات موذی و آفتها پس از مدتی در برابر سموم مقاوم شده باید از سم قویتر و یا از همان سم به مقدار زیادتری استفاده نبود ، به طوری که محیط سال به سال آلوده تر و اثر داروها کمتر خواهد شد. لازم است که در مورد طرق کنترل بیولوژیکی آفات و حشرات ، تحقیقات بیشتری انجام شود تا با پرورش ضد آفات طبیعی و به وسیله عقیم نمودن آفات وغیره ، بتوانیم بر آنها غلبه نماییم یا حداقل از روش های تلفیقی (بیولوژیکی و شیمیایی توأم) ، برای این منظور استفاده شود. شاید علم به این موضوع که بسیاری از آفت کشهای پایدار ، به احتمال زیاد در انسان اثرات ژنتیکی و سرطان زا دارند ، در منع برخی از انواع خطرناکتر سموم ، مؤثر باشد. به هر حال باید به مردم هشدار داده شود که به عادت همیشگی شان ظروف سرباز سموم را پس از اینکه خالی شد در آبهای سطحی و حتی الامکان بدون حفاظ در ظرف زباله نیز نیاندازند (از نظر مصرف بعدی زباله به عنوان کود یا غذای دام) . در مورد کالاهای مصنوعی و پلاستیکی ، تنها از طریق مقررات اقتصادی ، می توان بسته بندی های نایلونی بیهوده و کالاهای پلاستیکی و نایلونی را که

بدون دلیل موجه ، جایگزین مواد طبیعی می شوند، محدود نمود. نگرانیهاییکه اخیراً درباره مواد PVC (یولیوینیل کلوراید) که در بسیاری از اشیاء مصنوعی وجود دارد ، ابراز شده ، ظاهراً هنوز یا به گوش زنان ایرانی نرسیده و یا اینکه آنها را بیش از حد نگران نکرده است ، چون ۲۰٪ زنهای شهری اظهار نمودند که بسته بندیهای نایلونی را برای کالاها و غذاها ترجیح می دهند . به هر حال صرف نظر از خطرات احتمالی مواد نایلونی و پلاستیکی ، مواد اولیه اینگونه کالاها (نفت) محدود و تجدید ناپذیر است . در نتیجه نباید جهت تولید کالا بسته بندیهای غیر ضروری به هدر رود .

۶- جمعیت :

کشور ایران اگرچه از نظر فضا و امکانات مالی ، ظرفیت تحمل جمعیت بیشتری را دارد ، اما کمبود منابع آب و زمینهای قابل کشت ، این ظرفیت را محدود می سازد . خصوصاً اینکه کمبود مواد غذایی در آتیه ایجاب می کند که هر کشوری سعی داشته باشد از نظر تأمین غذا به حداکثر خود کفائی برسد . میزان رشد سالیانه جمعیت در ایران بسیار زیاد است (حدود ۲/۳٪) و اگر چنین رشدی ادامه یابد ، بدون تردید دچار مشکلات بزرگی خواهیم شد . البته تجربه نشان داده است که در اختیار گذاشتن وسایل تنظیم خانواده ، به تنهایی کافی نیست بلکه باید در ضمن ، انگیزه زاد و ولد زیاد را از بین برد . تازمانی که میزان مرگ و میر اطفال زیاد باشد ، و حداقل رفاه خانواده ها تأمین نباشد ، این انگیزه از بین نخواهد رفت . متأسفانه میزان مرگ و میر اطفال در روستا های ایران ، هنوز به قدر کافی کاهش نیافته است ، چنانچه در جامعه مورد بررسی ، ۷۵٪ زنان حداقل یک فرزند را در کودکی یا شیرخوارگی از دست داده بودند و ۳۰٪ سه فرزند یا بیشتر . معهداً بیش از نیمی زنان روستایی دارای پنج فرزند یا بیشتر بودند و حدود ۲۰٪ زنان ۳ الی ۵ بچه داشتند . تنها ۲۵٪ زنان مایل به استفاده از برنامه های تنظیم خانواده بودند ولی در بسیاری از موارد مشاهده شد که اگر توافق شوهران حاصل شود ، تعداد بیشتری از زنان میل

به زاد و ولد کمتر نشان خواهند داد ، به طوری که ۵۵٪ به دلایل اقتصادی و پایین بودن سطح درآمد ترجیح می‌دادند دیگر بچه‌دار نشوند . با وجود این ، تنها ۱۱٪ زنان روستایی از برنامه‌های تنظیم خانواده ، استفاده می‌نمایند . علاوه بر مخالفت شوهر ، دوری مراکز تنظیم خانواده ، عامل باز دارنده مهمی است . چون حدود ۶۰٪ از زنان روستایی ، بیش از ۱۶ کیلومتر از مراکز مزبور فاصله دارند ، در نتیجه دسترسی آن‌ها به وسایل تنظیم خانواده مشکل است و تردیدی نیست که با دسترسی سهلتر به این گونه وسایل ، میزان زاد و ولد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت . پس یکی از دلایل عمده باروری زیاد زنان ، به هر حال این بوده است که مراکز و وسایل لازم در اکثر نقاط تا چند سال اخیر مهیا نبوده است ، به طوری که ۶۵٪ زنهای شهری ، از مراکز تنظیم خانواده استفاده می‌نمایند و بقیه آنها (به استثنای آنهاییکه به دلیل داشتن پزشک شخصی یا کبر سن و عدم احتیاج معدورند) ، به دلایل عدیده به مراکز مربوطه رجوع نمی‌کنند . دلایل عمده عبارتند از : اعتقادات مذهبی ، ترس از بیمارستان یا درمانگاه ، عدم وجود درمانگاه نزدیک یا نارضایتی از درمانگاه‌ها ، مخالفت شوهر و تمایل به داشتن فرزند زیاد . به هر حال نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که به طور متوسط در شهرها هم تعداد فرزندان زیاد است یعنی حدود ۶۱٪ زنان شهری بیش از ۴ فرزند دارند .

به همین جهت باید در زمینه تنظیم خانواده فعالیتهای بیشتری انجام شود تا رشد جمعیت ایران تقلیل یابد .

ناگفته نماند چنانچه حتی کلیه زنان کشور تصمیم بگیرند که به طور متوسط دو فرزند بیشتر نداشته باشند ، معهذا پنجاه سال از آن موقع طول خواهد کشید تا جمعیت کشور به حد ثابت برسد ، چون کودکان خردسال هنوز به سن باروری نرسیده‌اند .

باید يك كوشش همه جانبه در جهت تئلیل میزان زاد و ولد انجام شود ، که هم انگیزه‌های زاد و ولد زیاد از بین بروند وهم اینکه وسائل تنظیم خانواده ، در دسترس کلیه زنان قرار گیرد و مراکز به پزشک و پرستار خوب مجهز باشند ، تا وضع و همچنین نتیجه و خدمات مربوطه رضایتبخش باشد .